



بازپژوهی جرم مادی صرف؛ مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا

سجاد لشکری آذر^۱

محمد آشوری^۲

تاریخ دریافت مقاله: 1399/08/02 تاریخ پذیرش نهایی: 1399/12/17

چکیده

بی شک زیربنای مسئولیت کیفری عنصر روانی یا تقصیر است، تفاوت مسئولیت مجرمین بیش از هر شاخص دیگری در حقوق کیفری تابع عنصر روانی آنها از حیث عمدی و یا غیرعمدی بودن رفتار ارتكابی است. بر همین اساس از گذشته‌های دور تاکنون، نظام‌ها و شیوه‌های متنوعی برای تعیین و تحمیل مسئولیت کیفری برای افراد مورد بحث و شناسایی قرار گرفته است. براساس منابع خارجی عمده‌ترین نظام‌های مسئولیت کیفری عبارت‌اند از: نظام مسئولیت مطلق، نظام مسئولیت عینی، نظام مسئولیت مشروط و نظام مسئولیت بدون تقصیر. پژوهش حاضر نیز باهدف مطالعه نظام مسئولیت کیفری بدون تقصیر و جرایم مادی صرف به‌عنوان یک امر حادث، نسبتاً جدید و قابل تأمل با بیان نظریات مرتبط با موضوع، آثار و نتایج علمی و اجرایی جرایم مادی صرف را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش، نگارندگان با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال‌اند که چرا از احراز رکن روانی در جرایم مادی صرف، صرف‌نظر شده است و میزان مطابقت این جرایم با اصول و قواعد حقوقی تا چه حدی است. به همین خاطر سعی شده تا با ذکر پیشینه و مفهوم جرایم مزبور و همچنین با بررسی سازوکارهای ناظر بر آن، به محتوای واقعی اینگونه جرایم دست یابیم. علاوه بر این بررسی مفاهیم مترادف، شیوه رسیدگی و شناسایی ملاک‌های تشخیص جرایم مادی صرف نیز تواند در روشن شدن موضوع این نوشتار و صحت انتخاب علمی آن، مؤثر و مفید فایده باشد.

کلید واژه‌ها

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sajadlashkariazar@yahoo.com

^۲ استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): m-ashouri@srbiau.ac.ir

سیاست کیفری سختگیرانه، عنصر روانی، جرایم علیه رفاه عمومی، جرایم انتظامی، بار اثبات.

مقدمه

پژوهش‌های تاریخی گویای این نکته است که بنیادهای حقوق کیفری متأثر از ضرورت‌های زمان در هر دوره از حیات اجتماعی راه تکامل خود را منطبق با نیازهای مادی و روانی هر جامعه پیموده و آرای علمای حقوق صرفاً مترجم این خواسته‌ها بوده است. (اردبیلی، 1395، 78) به طور مثال «در دوران ابتدایی حیات بشر واکنش سخت و خشن هرگونه رفتار زیان باری را شاملشد، بشر به‌مانند یک کودک و مطابق غریزه به اعمال نادرست واکنش نشانداد.» (جلال، 2003، 3) اما بعدها در پرتوی تعالیم آسمانی و اندیشه متفکران، از جمله بر مبنای نظریه قرارداد اجتماعی افراد خود را محدود کرده و از حقوق غریزی خود گذشتند تا عدالت از جانب حاکمیت تأمین گردد. «مهم‌ترین راهکار حاکمیت برای تأمین عدالت، قانون است و قانون: دربرگیرنده باید و نبایدهایی است که توسط قانونگذار وضعگردد و شهروندان ملزم به رعایت آن هستند.»

بلکستون¹ گوید: «برای آنکه جرمی علیه قانون بشری تحقق یابد، نخست: یک اراده شر و سپس ارتکاب رفتاری خلاف قانون بر اساس آن اراده ضروری است» (Liberties, 2006, 3) و ابزاری که در قوانین کیفری، باعث کاهش میزان سرپیچی افراد از قانونشود، وجود مسئولیت کیفری است. «اگر مسئولیت کیفری را به تحمل تبعات و آثار قانونی ناشی از رفتار مجرمانه تعریف کنیم، پرواضح است این مقوله حقوقی همیشه و در زمان‌های مختلف ماهیت و مبنای یکسانی نداشته است.» (بهاری خوب، 1396، 39) علیرغم اینکه در زمان‌های مختلف راهکارهای مختلفی در زمینه اعمال مجازات نسبت به مجرمین مورد استفاده قرار گرفته است اما رویکرد غالب در روزگار معاصر متأثر از یک الگو فردگرا و اخلاقی شناسایی شده است و در نتیجه مجازات نیز از طریق مسئولیت کیفری مبتنی بر تقصیر اعمال می‌گردد. ویژگی برجسته و عملی این نوع مسئولیت «ضرورت احراز تقصیر توسط مقامات تعقیب» است. در این نوع جرائم بر مبنای «استقلال فردی»² کسی را نمی‌توان نسبت به یک تخلف کیفری مقصر دانست، مگر آنکه دو عنصر محقق باشد، نخست: عنصر مادی³، معادل عمل گناهکارانه و دوم، عنصر روانی معادل ذهن گناهکار (Elliot, 2007, 7) بر این اساس نه‌تنها باید ثابت شود که متهم مقصر است، بلکه بر مبنای فرض بی‌گناهی، احراز تقصیر او در یک فرایند رسیدگی عادلانه و انسانی بر عهده

1. Blackstone

2. Principle of individual Autonomy

3. Actus Reus

تعقیب‌کنندگان قانونی است. (آشوری، 1398، 210) با این حال به موجب تغییرات بنیادینی که هم‌زمان با ظهور انقلاب صنعتی در سده نوزدهم میلادی در غرب رخ داد و به خاطر تأثیرات عمیقی که از این طریق در شیوه زندگی مردم ایجاد شد، شیوه رسیدگی به دعاوی مربوط به جبران خسارات ناشی از به‌کارگیری محصولات و مصنوعات جدید صنعتی با دگرگونی‌هایی مواجه شد و نوع دیگری از جرائم را بر مبنای اصل «رفاه عمومی»^۱ به وجود آورد. این نوع جرایم در ادامه زمینه‌ساز شکل‌گیری مقررات جدید در حوزه‌های تولید، مصرف، بهداشت، محیط‌زیست، معماری، شهرسازی، عبور و مرور، ارتباطات و مانند این‌ها شده است. بدین ترتیب نیازهای اساسی از موضوعات و مفاهیم فردگرایانه‌ای قبیل «امنیت» و «رفاه عمومی» نیز مورد تأکید قرار گرفت. جرائم صرفاً مادی یا به تعبیر دیگر جرایم علیه رفاه عمومی از نظر ارکان تشکیل‌دهنده، بدون اثبات عنصر روانی باوجود دست‌کم یک عنصر مادی ممکن است ارتکاب یابند و به‌اصطلاح حقوقدانان عنصر روانی در این جرایم مفروض^۲ است، «یعنی فرایند احراز تقصیر به خاطر ضرورت حمایت از مصالح جمعی، مراجع قضایی و قانونی را بر آن داشته است که در تصمیمات خود حقوق و مصالح فردی را در درجه دوم اهمیت قرار دهند.» (مهبودی، 1389، 33) تحمیل مجازات - در این شیوه خاص از طریق مسئولیت کیفری بدون تقصیر^۳ تسهیل شده است. قانونگذار در این مورد سخت‌گیرانه‌ترین نوع جرم‌انگاری را در نظر گرفته است. توان ادعا نمود در این حالت رفتارهای خلاف قانون به سبک و سیاق قوانین مدنی مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت تا بدین ترتیب از اعمال حمایت‌های مضاعف پیش‌بینی‌شده در قانون در خصوص افرادی که به یک جرم کیفری متهم‌شوند اجتناب شود. «یعنی همانند مسئولیت مدنی اثبات ورود خسارت، ارتکاب رفتار زیان‌بار توسط متهم و احراز رابطه‌ی سببیت بین آن دو مؤلفه برای محاکمه و مجازات مرتکب کافی است.» (شاهچراغ، 1391، 80) از طرفی این رویکرد سخت‌گیرانه باعث‌شود تا شهروندان اهمیت یکسانی برای جرائم سبک و سنگین قائل شوند.

همانطور که پیش‌تر گفته شد این نوع جرایم زمینه‌ساز شکل‌گیری مقررات جدیدی در حوزه‌های تولید، مصرف، بهداشت، محیط‌زیست، معماری، شهرسازی، عبور و مرور، ارتباطات و مانند این‌ها شده‌اند. اما مبنای پذیرش و وضعیت رکن روانی در جرایم مادی صرف به چه صورتی است، بی‌تردید پاسخ این سوال بیانگر اهمیت و ضرورت انجام چنین پژوهشی است که متأسفانه در پژوهش‌های مرتبط با این موضوع مورد غفلت واقع شده است. بررسی موضوع تخصصی جرائم

1. Principle of public welfare

2. Constructive Knowledge

3. Criminal Liability Without Fault

مادی صرف که خود رمز گشایی از فلسفه کیفری است، گامی کوچک است که در همین راستا قابل تفسیر است. اما سوال دیگری که باید در این پژوهش به آن پاسخ داده شود، وضعیت این جرائم در حقوق کیفری ایران است و اینکه آیا در حقوق ایران می توان چنین جرائمی را به رسمیت شناخت و آیا می توان مصداقی از این نوع را در میان جرائم ایرانی یافت. نگارندگان در این پژوهش سعی دارند تا با رفع خلاءهای پژوهشی سابق در این زمینه، به ویژه در رابطه با گستره جرایم مادی صرف به هدف اصلی خود که همان رمز گشایی از مصداقی و آثار غیر قابل انکار این جرایم است، دست یابند.

1. پیشینه

هنگامی که به تاریخچه‌ی حقوق کیفری نگاه‌اندازیم، رد پای از جرائم مادی صرف در حقوق کیفری سنتی نمی‌یابیم. درحقیقت این مفهوم به تدریج در حقوق کیفری مدرن شروع به شکل‌گیری و ظهور نموده است. علیرغم اینکه دیوان عالی کشور آمریکا وجود سوءنیت را ضرورتی ثابت در هر نظام کیفری داند. اما نظام حقوقی کامن لا در مورد جرائم قرار دادی مسئولیت کیفری بدون تقصیر را استثنائاً پذیرفته است و اولین زمان استفاده از این پدیده نوظهور در پرونده شراس علیه دوراتزن در سال 1895 بود. (Lippman, 2010, 127) در این پرونده رایت (Wright J) قاضی انگلیسی معتقد بود؛ جرایم مادی صرف «یک دسته‌ای از اعمال اند ... که در مفهوم واقعی کلمه ویژگی کیفری ندارند، اما اعمالی هستند که در جهت نفع عمومی ممنوع و دارای مجازات هستند.»¹ از طرفی مولفین اکثر تالیفات حقوقی در سال‌های دور براین باورند جرایم مادی صرف در ابتدا فقط در مورد جرایم کم اهمیتی مثل توهین، اخلال در نظم عمومی دادگاه‌ها و امثال آن پذیرفته‌شد. اما به تدریج در حقوق موضوعه آمریکا به دامنه‌ی آن افزوده شد و مواردی از قبیل جرائم مربوط به آلودگی محیط‌زیست، داروهای خطرناک و جرائم انضباطی مانند جرائم مربوط به رانندگی و (...) مشمول عنوان جرائم علیه رفاه عمومی قرار گرفتند. (Elliot, 2000, 28)

اما موضع حقوق کیفری ایران در رابطه با این جرایم در طول دهه‌های گذشته از لحاظ مفهومی و مصداقی با تحولاتی روبه‌رو بوده است، برخی حقوق‌دانان معتقدند قبل از انقلاب از این‌گونه جرایم به‌عنوان جرایم خلافی یادشد. (میر محمد صادقی، 1390، 270) به این شکل که برخی آن را به لحاظ ماهیت صرفاً مادی دانستند و جرایم مادی را صرفاً جزء جرایم رفتاری اطلاق کردند. آن‌ها اعتقاد داشتند هرگاه ارتکاب جرم مادی مسلم گردد، احراز قصد سوء عامل یا خطای

¹. Wright J. In Sherras V. De Rutzen: A class of acts.....which are not criminal in any real sense, but are acts which in the public interest are prohibited under a penalty.

او ضرورت ندارد. (علی آبادی، 1373، 81) ولی برخی معتقدند: «جرایم مادی منحصر به جرایم خلافی نیست، غالب جرایم مادی، جرایم ترک فعل اند و مجازات آن‌ها خفیف است، باید دانست ملاک‌های مزبور مطلق و همیشگی نیست. آنچه توان گفت این است که جرایم صرفاً مادی غالباً مربوط به پلیس و انتظامات بوده و مشتمل بر ممنوعیت قطعی هستند.» (باهری، 1394، 264) همسو با این نظر برخی حقوقدانان نیز، مهم‌ترین مصادیق مرتبط با جرایم مادی صرف در ایران را جرایمی از قبیل: جرم صدور چک بلامحل پرداخت نشدنی و یا عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی مثل توقف در محل ممنوع یا عبور از چراغ قرمز دانسته‌اند. (گلدوزیان، 1391، 131)

با مطالعه نظرات اخیرتوان نتیجه گرفت: جرایم مادی صرف از منظر حقوقدانان ایرانی؛ با توجه به ماهیت و فلسفه وجودی جرایم مزبور، جرایمی کم‌اهمیت (بصورت خلافی)، رفتاری و انتظامی است و با جرایم سنتی تفاوتی بنیادی دارد. از دیدگاه دیگری نیز توان جرایم مادی صرف را «محکومیت و مجازات مرتکب جرم، بدون لزوم احراز کامل عنصر روانی یا تقصیر معمول و مورد نیاز در فرایند کیفری دانست. اعم از اینکه لزوم احراز تقصیر ناشی از حذف و یا فرض آن باشد و یا تقلیل سطح آن.» (عبدالهی، 1393، 60)

2. مفهوم شناسی

«در آثار حقوقدانان آمریکایی برای بیان ماهیت رفتارهای ممنوعه کیفری تا به امروز از دو اصطلاح «Crime» و «Offense» استفاده شده است. همین‌طور در رابطه با جرایم مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر هم‌زمان ترکیبات متضمن هر دو اصطلاح متداول است، از قبیل: «Offense Mens rea»، «Mens rea crime»، «Strict liability» اما هم‌اکنون تمایل محسوسی دیده شود که در مورد جرایم سنتی، واقعی، شدید یا مستلزم لکه ننگ اجتماعی و اخلاقی از واژه «Crime» و نسبت به جرایم جدید، غیرواقعی، خفیف‌تر، شبه کیفری، انتظامی یا فاقد لکه ننگ از تعبیر «offense» استفاده شود.» (همان، 51) با این توضیحات توان تأیید کرد که جرایم مادی صرف در دسته دوم قرارگیرند و غالباً استثنائی و رفاه‌گرایانه هستند.

اما در رابطه با مفهوم جرایم مادی صرف در ایران اختلاف نظر بسیار است و تاکنون تعریف واحدی در مورد آنها وجود ندارد؛ به طوری که در تعریف‌های مختلف و متناقض متعددی که در مورد این جرائم صورت گرفته است؛ گاه به معنای جرائمی که نیاز به عنصر روانی ندارند یا عنصر روانی آنها مفروض است و یا نیاز به عنصر روانی کمتری دارند، تعریف شده‌اند. در حال، جرایم

مزبور از تکیه سنتی جرم بر تقصیر فاصله گرفته و جرم را بدون اثبات عنصر روانی و به صرف تحقق عنصر مادی و یا با عنصر روانی تضعیف شده مورد قبول قرار دهند، به همین دلیل و مطابق با برخی نظرات، جرایم مزبور، جرم واقعی^۱ و حقیقی و مرتکبین آنها مجرم در معنای دقیق کلمه محسوب نمی‌شود.^۲

در رابطه با محدوده عناوین مرتبط با جرایم مادی صرف نیز، اصطلاحات مترادف و متعددی وجود دارد. اصطلاحاتی از قبیل: جرایم علیه رفاه عمومی^۳، جرایم انتظامی^۴، جرایم شبه کیفری^۵، شبه جرم‌های عمومی^۶، تخلفات^۷، جرایم فنی^۸، جرایم بازدارنده^۹، جرایم مصنوعی یا قراردادی^{۱۰} که به نظر رسد تحت تأثیر توسعه کمی مقررات حمایتی و انتظامی ایجاد شده‌اند. اما برخی حقوقدانان معتقدند که توصیف جرائم مزبور به عنوان شبه جزایی یا تخلفات، چیزی بیش از بازی با کلمات نیست و یک جرم با مسئولیت مطلق، هرچقدر هم کوچک باشد، باز جرم است و تواند منتج به تعقیب و محکومیت در محاکم کیفری گردد. (کلارکسون، 1371، 222)

2-1. مفهوم ثبوتی (ماهوی)

جرایم مادی صرف در مرحله ماهوی (ثبوتی) بیاندارد؛ عنصر روانی مفروض برای تحقق مسئولیت کیفری خدشه‌ای بر محکومیت فاعل مادی جرم به وجود نمی‌آورد، با این تفاوت که مرتکب بلافاصله پس از ارتکاب جرم و تحقق عنصر مادی و قانونی مسئول شناخته شود و باید آن را جبران سازد. در حقوق کیفری آمریکا نیز رویه به این شکل است که مرتکب برای عمل خود فارغ از قصد و عنصر روانی خویش مسئول شناخته شود. یعنی فرض شود که مرتکب به قانون آگاه است - حتی اگر نباشد - به طوری که دیگر، بار اثبات عنصر روانی بر دوش مقامات تعقیب نخواهد بود. آلتمن معتقد است «جرم‌مادی صرف مربوط به جایی است که فرد تمام احتیاط‌های لازم را مبذول داشته اما مرتکب جرم شده است.» (آلتمن، 1985، 290)

2-2. مفهوم اثباتی (شکلی)

1. true crime

2. the offenders are often not considered "criminals" in the full sense of the word.

3. Public welfare offenses

4. Regulatory Crime/offense

5. Mala Prohibita /Mala in se

6. Public Torts

7. Violations

8. Technical Crimes

9. Preventive Crimes

10. Artificial Crimes

در مفهوم شکلی (اثباتی) جرایم مادی صرف نیز صرف ارتکاب عنصر مادی برای تحقق مسئولیت کیفری کافی است. به این معنی که در مقام اثبات دیگر نیازی به احراز عنصر روانی نیست و ادعای اثبات فقدان این علم از سوی فرد مرتکب به هیچ عنوان پذیرفته نمی شود. (میلانی و عبدالکریمی، 1394، 83) این شیوه از رسیدگی مشابه با سبک و سیاق حقوق مدنی است به طوری که گاهی نفس معیار نوعی مورد نظر است. برای مثال اگر فردی که نسبت به مالی امین محسوب شود، مال امانی را برخلاف متعارف نگهداری کرده و در نتیجه آسیبی به مال وارد آید، مطابق ماده ۱۳۱ قانون مدنی ضامن آن است. «در چنین مواردی معیار نوعی خود اصالت و موضوعیت دارد و قاضی آن را برای احراز وضعیت ذهنی امین بکار نمی برد. لذا حتی اگر امین بتواند ثابت کند از حکم عرف در آن مورد خاص آگاه نبوده است، تأثیری در مسئولیت او ایجاد نخواهد شد. به عبارت بهتر در رابطه با مفهوم شکلی جرایم مادی صرف برخلاف دیگر جرایم، معیار نوعی دیگر معیاری برای کشف معیار ذهنی نیست و تواند ایجاد تکلیف کند» (محمدخانی، 1390، 23)

2-3. وجه افتراق جرایم مادی صرف و مفاهیم مشابه

از جمله نکاتی که موجب شود تصویر روشنی از جرایم مادی صرف در ذهن پدیدار گردد، شناخت هم پوشانی های موجود میان این جرم با مصادیقی از جرایم غیر عمد است، جرایم غیر عمد بر فقدان علم و عمد در کل یا بخشی از جرم مبتنی باشند و وجه اشتراک این موارد قابل سرزنش بودن فعل مادی است که به جانشینی عنصر روانی برای احراز مسئولیت منجر گردد و همین ویژگی نیز منجر به درهم آمیختگی این مفاهیم شود. به عنوان مثال برخی مسئولیت ناشی از شبه جرم و مسامحه را نوعی مسئولیت کیفری بدون تقصیر یا جرم مادی صرف قلمداد کرده اند و در جهت توجیه آن بیاندارند این نوع مسئولیت فی الواقع مسئولیتی است که باید بر آن برچسب خطای مدنی و یا غفلت زد. اما در نظام حقوقی کامن لا این شکل جانشینی عنصر روانی در مفهوم اثباتی جرایم مادی صرف، با مصادیق جرایم غیر عمدی از قبیل: مسامحه و شبه جرم دارای تفاوت هایی است که نگارندگان به توصیف و تحلیل آن ها پردازند.

2-3-1. مسئولیت کیفری ناشی از شبه جرم

از نظر برخی حقوقدانان آمریکایی ارتکاب جرم مادی صرف و تحمیل مسئولیت کیفری بدون تقصیر یک رفتار ماهیتاً کیفری نیست، بلکه نوعی خطای مدنی « شبه جرم^۱ » است. در حقوق آمریکا مسئولیت ناشی از ضمان قهری را تحت عنوان شبه جرم مورد بحث قرار دهند و مانند ایران آن را از نقض‌های قراردادی^۲ جدا سازند. مسئولیت قراردادی و مسئولیت ناشی از الزامات قانونی «مسئولیت قهری» جزء منابع معمول حقوق مدنی به شمار رود و از جمله تفاوت‌های این دو آن است که در مسئولیت قراردادی اثبات عهدشکنی خوانده کافی است، در حالی که در ضمان قهری معمولاً باید اثبات شود شخص مسئول مقصر نیز باشد. (عبدالهی، پیشین، 131)

از جمله وجوه تمایز مسئولیت ناشی از شبه جرم با مسئولیت کیفری بدون تقصیر، شرط توأم بودن عناصر سه‌گانه جرم اعم از مادی، قانونی و روانی برای تحقق مسئولیت ناشی از شبه جرم است، در هر حال با اینکه همه شبه جرم‌ها خطا هستند اما همه خطاها شبه جرم نیستند باید خطای مدنی و کیفری را از یکدیگر جدا کرد. پروفیسورهای یکی از حقوقدانان حوزه حقوق عرفی در آمریکا در جهت شرح این تفاوت‌ها بیاندارد: «در حقوق شبه جرم، تقصیر اخلاقی در درجه دوم اهمیت قرارگیرد، زیرا رفتارهای اخلاقی تنها یکی از راه‌های متنوعی است که افراد به واسطه آن‌ها متحمل خسارت مالی شوند. اما در حقوق کیفری، غیر اخلاقی بودن رفتار مرتکب، جنبه بنیادی و اساسی دارد و در مقابل، ورود زیان مالی از اهمیت زیادی برخوردار نیست.»^۳ در اندیشه حقوقدانان ایرانی نیز آقای دکتر کاتوزیان واژه «Strict» را مترادف با محضدانند و اعتقاد دارند، این اصطلاح مناسب‌تری برای بیان مفهوم این نوع مسئولیت است. در واقع ایشان معتقدند به‌کارگیری این اصطلاح نشانه مشروط نبودن بر اموری است که به‌طور معمول شرط است و موجب رهایی از قیدوبندهای ذهنی است. شاید به همین خاطر است که برخی مسئولیت محض را مسئولیت مطلق نیز تعبیر نموده‌اند. ایشان در ادامه بیاندارند: «مسئولیت محض هرروز دامنه گسترده‌تری یابد و دادگاه‌ها بنا به مصالح اجتماعی و تأمین آسایش عمومی پاره‌ای مسئولیت مبتنی بر تقصیر را در زمره این گروه آورند. این مسئولیت در آغاز ویژه فعالیت‌هایی بود که بیش‌ازحد خطرناک است، مانند حمل بنزین در بزرگراه‌ها و جاده‌های عمومی، پس از آن گسترش یافت و به تولید کالاها معیوب و فعالیت‌های خطرناک و کارفرمایان کارگران سرایت کرد. در واقع مسئولیت محض ابزار تدافعی و بازدارنده‌ای برای مبارزه با ناروایی‌ها و کاستن از خسارت و

1. Tort Liability

2. Breaches of Contract.

3. (Moral culpability is of secondary importance in tort law-immoral conduct is simply end of various ways by which individuals suffer economic damage. But in penal Law ... the immorality of the actor's conduct is essential-where as pecuniary damage is entirely irrelevant). (همان: 153)

هزینه‌های بیشتر در اجتماع است و هرگاه ضرورتی در میان باشد، جانشین مسئولیت مبتنی بر تقصیر شود.» (کاتوزیان، 1393، 17)

2-3-2. مسامحه

مسامحه اصطلاح مشترکی در حقوق مدنی و کیفری است که بر تقصیر دلالت دارد و عبارت "تقصیر" از نظر حقوقدانان بیانگر عنصر روانی است. اما بهتر است بگوییم تقصیر در حقوق جزا دارای دو معنای عام و خاص است:

- معنای عام: مترادف با عنصر روانی است.

- معنای خاص: مترادف با خطای جزایی و در نتیجه در تقابل با سوءنیت است و مفاهیمی از قبیل: غفلت، اهمال، بی‌دقتی، سهل‌انگاری، بی‌مبالاتی، بی‌اعتنایی، بی‌توجهی و قصور مواردی از این دست باشند.

در دسته‌بندی خطاهای جزایی، مسامحه راتوان همان مسئولیت عینی دانست، چرا که دلیل سرزنش مرتکب فعل مادی در مسامحه این است که به عنوان یک انسان معقول، متعارف یا محتاط آن چه که انتظار رود را رعایت نکرده است، در واقع در مسامحه تخطی در رفتار انسان به طور عینی کفایت‌کند و به همین جهت با بی‌پروایی نیز تفاوت دارد، چرا که بی‌پروایی صرفاً بر اوضاع و احوال ذهنی دلالت دارد و مسامحه فاقد این قید است.

با عنایت به مقدمه مذکور و دلایل ذیل باید جرایم مادی صرف را نیز از مسامحه جدا کرد:

۱) ضروری نبودن اثبات عنصر روانی و قصد مجرمانه در جرایم مادی صرف؛ یعنی حتی اگر ثابت شود مرتکب بسان یک فرد متعارف عمل کرده است، باز هم مسئول است. در حالی که در مسامحه این چنین نیست.

۲) معافیت بدوی مقامات تعقیب در جهت احراز عنصر روانی جرم و ضرورت نداشتن ارائه دلیل؛ به عبارت دیگر اثبات حالت ذهنی مرتکب در جرم مادی صرف نیازمند هیچ گونه دلیلی نیست و صرفاً اثبات انحراف رفتار وی از رفتارهای متبوع یک فرد متعارف کفایت‌کند. در حالی که در جرایم مبتنی بر مسامحه همچنان بار اثباتی بر عهده مقامات تعقیب است.

3- مبانی پذیرش جرایم مادی صرف بر حسب رکن روانی

منطقی‌ترین دلیل تحمیل جرایم مادی صرف آن است که منافع عمومی مطرح، به قدری بزرگ است که تحمیل معیاری مطلق از احتیاط، ضروری به نظر رسد. همین باعث شود تا متهم نتواند هیچ عذری برای سرپیچی از قانون بیاورد. از طرفی اشراف فرد به استلزامات صنفی و کثرت پرونده‌های موجود در این حوزه بالاخص در حوزه انتظامی موجب شده تا به محاکمات ساده و سریعی نیازمند باشیم که در آن بررسی قصد ذهنی متهمین نباید موجب اطاله دادرسی گردد. در ادامه و در جهت تفصیل بحث حاضر مبانی اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی پذیرش جرایم مادی صرف را مورد شناسایی قرار خواهیم داد:

3-1. مبنای اخلاقی

«در قانون انسان وقتی مجرم است که حقوقی کسی را نقض کند ولی در وادی اخلاق، فرد وقتی مقصر است که تنها به این فعل فکر کند.» این جمله منتسب به «امانوئل کانت» آنچنان هم با مبانی پذیرش جرایم مادی صرف بی‌ارتباط نیست؛ زیرا یکی از مبانی پذیرش جرایم مادی صرف، مبنای اخلاقی است. یعنی آنچه که در چنین مسئولیت‌سختگیرانه‌ای مهم است رفتار فرد باشد و همین امر نیز موجب شود تا بیشتر افراد برای ارتکاب فعل خود که از قضاء فاقد توجیه روانی است، دارای مسئولیت شود. حتی توان از این امر فراتر رفت و بیان کرد نظریه‌ی تقصیر هر چند ظاهری اخلاقی دارد، اما معیارهایی را برای رفتار مرتکب در نظر گیرد که فراتر از حد متعارف و انتظار است. (میلانی و عبدالکریمی، پیشین، 80) طبق این مبنا «در مسئولیت مبتنی بر تقصیر ممکن است عامل زیان که خسارت از فعل او ناشی شده است از مسئولیت معاف شود و زیان دیده مجبور به تحمل زیان شود. اما در مسئولیت محض چنانچه بین فعل شخص و ورود زیان رابطه‌ی سببیت باشد عامل زیان باید آن را اثبات نماید» (شاهچراغ، 1391، 55) بنابراین، مسئول شناختن فردی که عامل ورود زیان بوده منصفانه به نظر رسد. حال آنکه تحمل زیان به زیان دیده عادلانه و منصفانه نیست. به عبارت بهتر، توان گفت در صورتی که تقصیر عامل به اثبات نرسد این امر متحمل زیان برای زیان دیده است که اصلاً از منظر اخلاقی قابل توجیه نیست.

3-2. مبنای اقتصادی

یکی از مبانی پذیرش جرایم مادی صرف مربوط به زمانی است که فردی محیط خطرناکی را ایجاد کرده است و از این محیط نفعبرد؛ در نتیجه باید زیان‌های ناشی از آن را نیز بر عهده‌گیرد. این مبنا بیشتر در روابط بین کارفرمایان و کارگران یا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مورد

استفاده قرار گیرد. در این نوع روابط، چون زیان دیده قادر به اثبات تقصیر نیست و یا اثبات تقصیر به سختی ممکن است، نظریه‌ی مسئولیت مطلق کیفری مطرح شده است. (بادینی، شعبانی، رادپرور، 1391، 25) نظریه‌ی درونی کردن هزینه‌های خارجی نیز یکی از مهم‌ترین مبانی نظری مرتبط با پذیرش مسئولیت کیفری بدون تقصیر ناشی از عیب تولید در آمریکا باشد. زیرا به طور مستقیم افراد را به تحمل هزینه‌هایشان وادارد. در واقع، با برپایی نظام مسئولیت مطلق، چون هر فعالیتی هزینه‌ی خود را تحمل کند، سطح فعالیت‌ها به میزانی که از نظر اجتماعی مطلوب است خواهد رسید. (همان)^۱

3-3. مبنای اجتماعی

در علم پزشکی گفته شود «پیشگیری بهتر از درمان است»؛ حال همین امر در مورد تحقق جرایم مادی صرف صادق است. این نوع جرایم باعث خواهند شد تا بازدارندگی بیشتری در این نوع از مسئولیت وجود داشته باشد و صرف رابطه‌ی سببیت بین وقوع فعل مجرمانه و ورود زیان کافی برای جبران خسارت از زیان دیده باشد، در واقع فرد در چنین شرایطی به طور کامل مراقبت خواهد کرد تا از رفتار وی زینانی به شخصی وارد نگردد. (کاتوزیان، 1381، 45) از جمله اهداف اصلی جبران خسارت توزیع ضرر ناشی از حوادث طبیعی و ناخواسته است. یعنی همان گونه که مزایا و منافع یک عمل تقسیم شوند باید خسارت‌های ناشی از انجام یک عمل نیز میان طرفین عامل تقسیم و توزیع شوند. تحمیل ضرر به تولیدکنندگان کالاهای خطرناک و زیان آور، آن‌ها را وادار به بیمه کردن نماید تا در صورت ورود خسارت جبران شود.

البته ممکن است گفته شود که به دلیل اثبات آسان جرم مادی صرف هر مصرف‌کننده‌ی علیه تولیدکننده یک کالای خطرآفرین طرح دعوا نماید و این امر موجبات حجیم شدن دعاوی را فراهم کند. اما باید در نظر داشت که در صورت رد دعاوی یک مصرف‌کننده علیه تولیدکننده، هر مصرف‌کننده با ادعای عدم رعایت موازین علیه تولیدکننده طرح دعوا نمی‌کند. (بادینی و دیگران، پیشین، 23)

4. انواع جرایم مادی صرف بر حسب رکن روانی

حال پس از بررسی جرایم مادی صرف در چارچوب پیشینه، مفهوم و مبانی، نوبت به آن رسیده تا به شناسایی جرایم مادی صرف بر حسب رکن روانی جرم بپردازیم و آن را در حالت‌های

^۱. همان.

مختلف مورد بررسی قرار دهیم. حقوقدانان نظام حقوقی کامن لا برداشت‌ها و نظرات متعددی درباره‌ی ماهیت و مفهوم این نوع مسئولیت ارائه نموده‌اند. لذا به‌موجب حالت‌های مختلف موجود در جرایم مادی صرف، گاه عنصر روانی جرم به‌صورت کامل، گاه به‌صورت جزئی و گاهی نیز علم مرتکب به‌طور مفروض^۱ بر رفتار مجرمانه بارگردد.

فرض نخست، یعنی «حذف کامل عنصر روانی» در موارد اندکی از جرایم به وقوع پیوندد، چرا که غالباً فرض برائت ایجاب نماید تا رکن روانی لااقل در قسمتی از جرم اثبات و احراز گردد.^۲ اما در حالت دوم و زمانی که رکن روانی جرم به‌صورت جزئی حذفگردد، همین که مقامات تعقیب یکی از اجزای عنصر روانی و حتی درجه پایین‌تری از آن را احراز کنند، توان گفت مسئولیت به فرد تحمیل خواهد شد. (Gardner, 2007, 199-223) البته همانطور که گفته شد نباید این حالت را بازمانی که فرد به دلیل خطای جزایی به یک جرم غیر عمد محکومگردد، اشتباه گرفت. چراکه این حالت با یک مسامحه یا غفلت جرم عمدی واقعگردد. یکی از مصادیق نزدیک به این مورد راتوان ماده 295 ق.م.ا مصوب 1392 دانست.^۳

اما در نهایت، حالت سوم زمانی است که قانونگذار فرض را بر وجود تقصیر یا عنصر روانی قراردهد، از این حالت‌توان به‌عنوان «فرض وجود تقصیر» یادکرد، که دربندهای پیشین به‌طور مفصل بدان پرداختیم.

5. ساز و کارهای ناظر بر جرائم مادی صرف در نظام حقوقی آمریکا

دادگاه‌های ایالات‌متحده آمریکا با پذیرش جرایم مادی صرف به‌عنوان یک قاعده کلی موافقت^۴ و این بیانگر مطابقت آن با اصول قانون اساسی است. البته در پیشینه و منابع مرتبط با این موضوع، انتقادات شدیدی از لحاظ عدم تطبیق جرایم مادی صرف با قانون اساسی وجود دارد، به‌طور مثال یکی از انتقادات نسبت به رویه شکلی و تکنیک‌های اثبات جرایم مزبور است: توضیح آن‌که تکنیک‌های مختلفی برای اثبات جرایم مادی صرف به‌کاربرده شود و یکی از آن‌ها، تکنیک

1. Constructive Knowledge

2. فرض بی‌گناهی یا اصل برائت، بنابر عقیده حقوقدانان برجسته از جمله تضمین‌های اساسی دادرسی کیفری قلمداد می‌گردد و یکی از تاسیسات ریشه‌داری است که درسبب‌یاری از قوانین، رویه قضایی و اسناد حقوق بشری مورد پیش‌بینی واقع شده است. (آشوری، پیشین، 202_205)

3. «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر نهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.»

4. «البته ممکن است پیش‌بینی جرایم مادی صرف در بعضی از موقعیت‌های بالخصوص مخالف با قانون اساسی این کشور باشد، یکی از این موارد زمانی است که مصالح متمم نخست قانون اساسی آمریکا مورد خطر قرار گیرد، به همین خاطر دادگاه عالی اغلب این قوانین را به شکلی مورد تفسیر قرار می‌دهد که مستلزم سوء نیت باشد» (به نقل از؛ واین آر لفیو، 1390، 102)

اثبات از طریق فعل و ترک فعل است، هنری هارت در مقاله‌ای تحت عنوان «اهداف حقوق کیفری» این روش را به کلی رد کند و آن را مغایر با قانون اساسی داند، تعریف او از جرم طبق قوانین اساسی متعدد در سطح ایالات؛ رفتاری است که شایسته سرزنش و ملامت است. پس با همین استدلال امکان ندارد رفتاری که قابلیت سرزنش ندارد به عنوان جرم تلقی گردد و کسی را مجازات نمود، هنری هارت معتقد است شرط «جریان صحیح قانون» مذکور در متمم چهارم، ایالات را از مجازات رفتارهای بدون تقصیر به عنوان جرم منع کند.» (Henry, 1958, 401) اما این انتقادات موجب عدم پذیرش مسئولیت کیفری بدون تقصیر نشد و اکثر احکام صادره از دادگاه‌ها در ایالات مختلف آمریکا بیانگر آن است که قانون اساسی مانعی برای پذیرش این نوع جرایم نیست، در واقع «عنصر روانی شرط مهمی است اما شرطی نیست که بر اساس قانون اساسی آمریکا ضروری باشد مگر در بعضی موارد» (واین آر لفیو، 1390، 109)

البته در معدودی از ایالات آمریکا جرایم مادی صرف خلاف قانون اساسی است، یکی از این موارد زمانی است که موضوع اصلی قانون از موضوعاتی نباشد که جرم تعریف شده را در گروه کوچک جرایم مربوط به رفاه عمومی قرار دهد. یا در صورتی که تحقیق در خصوص حقایق موجود، به عنوان تکلیفی که چنین قانونی بر عهده افراد قرار دهد، تکلیفی نامتعارف باشد، به طور مثال جرایمی که در قانون، داشتن کالای قاچاق را به عنوان جرایم مادی صرف به حساب آورند مخالف با قانون اساسی قلمداد گردد، زیرا نتیجه چنین برداشتی این است که اگر «الف» کالای قاچاقی را به فردی ناآگاه بدهد، توان آن فرد را به خاطر نقض قانون مذکور متهم و سپس محکوم کرد، آن هم بدون این که از قاچاق بودن کالایی که به او داده شده آگاه باشد.¹

مورد دیگری که برخی ایالات آن را مغایر با قانون اساسی دانسته‌اند، زمانی است که قانون مجازات حبس سنگینی برای آن جرم پیش‌بینی کرده باشد، به طور مثال در پرونده‌ای که مرتبط با فروش سهام ثبت‌نشده با مجازات بیست سال حبس در آمریکا بود، این رفتار نمی‌توانست در

1. مشابه مثال اخیر در پرونده سوئیت علیه پارسل (Sweet V porsley) که در شهر آکسفورد رخ داد، از این قرار است: «سوئیت معلمی بود که منزلی روستایی را بیرون از شهر آکسفورد (oxford) اجاره کرد، او منزل را به مستأجران داد و به ندرت در آنجا حضور داشت. مستأجران در منزل از حبش استفاده می‌کردند و از این موضوع بی اطلاع بود. هنگامی که مستأجران دستگیر شدند، سوئیت (Sweet) به دلیل اطلاع از اینکه منزلش به عنوان مکانی برای استعمال حبش استفاده می‌شد، مجرم شناخته شد که این مسئله، نقض قانون مواد مخدر خطرناک مصوب سال ۱۹۵۵ بود. (اکنون با قانون سوء استفاده از مواد مخدر مصوب سال ۱۹۷۱ جایگزین شده است): سوئیت (Sweet) در تجدیدنظر خواهی دلالی ارایه داد مبنی بر این که او در مورد اعمال مستأجران اطلاعی نداشته و متعارف است که نمی‌توانسته اطلاع داشته باشد. قاضی رید (Reid) تصدیق کرد که مسئولیت مطلق برای جرایم مغایر با منافع عمومی یا شبه جرم‌ها- افعالی که در مفهوم واقعی جرم نیستند و فقط افعالی اند که از منظر منافع عمومی ممنوع اند. مناسب است و با زدن برجسب باعث می‌شود سوئیت (Sweet) شغل خود را از دست بدهد. به همین خاطر قضات مقرر کرده اند که این جرم، نمی‌تواند جرمی با مسئولیت مطلق باشد» (الیوت کاترین و فرانسیس کوئین، 1385، 2).

زمره جرایم مادی صرف قرار گیرد.^۱ البته این به این معنی نیست که پیش‌بینی مجازات حبس برای جرایم مادی صرف ممنوع است.

5-1. معیار تشخیص جرایم مادی صرف در نظام حقوقی آمریکا

در حقوق کیفری آمریکا اعتقاد بر این است که وقتی قانون مطرح، به‌هیچ‌وجه از عباراتی که به عنصر روانی اشاره دارد، استفاده نمی‌کند. به‌درستی توان در تفسیر قانون قصد تحمیل مسئولیت کیفری بدون تقصیر را در نظر داشت و این نوع مسئولیت در حقوق کیفری آمریکا عبارت است از مسئولیت بدون نیاز به اثبات هیچ نوع عنصر روانی.^۲ کم‌پیش‌آید مقنن به‌صراحت رفتاری را بدون نیاز به هیچ‌گونه تقصیری جرم تلقی کند و غالباً در صورت فقدان اصطلاحاتی چون «آگاهانه»، «با قصد...»، «به‌قصد فریب»، «با خواست و اراده» و (...) در متن قوانین توان به جرم‌مادی صرف پی برد.^۳ اما گاهی نیز امکان دارد این عبارات در قانون بیاید ولی به شکلی باشد که تشخیص نوع آن مشکل باشد، در حقوق کیفری آمریکا، برخورد با متهمین تحت چنین شرایطی بدیهی است که متفاوت خواهد بود، گاه ممکن است برداشت برگرفته از متن قانون باشد و تحقق جرم‌مادی صرف را بپذیرند در این صورت امکان اینکه وظیفه اقناع هیئت منصفه بر عهده متهم قرار گیرد افزایش خواهد یافت و گاهی نیز ضرورت احراز تقصیر را برای اثبات جرم ضروری بدانند. (و این آرفیو، پیشین، 99)

با توجه به این مقدمه نگارندگان سعی دارند تا در این بخش با توجه به منابع موجود و راهکارها و معیارهای معمول برای حل این ابهامات مواردی را مورد بررسی قرار دهند. البته ذکر این نکته ضروری است، منشاء این معیارها تفسیر قوانین تهی از عبارات مربوط به تقصیر است و هیچ‌کدام به‌صورت انفرادی نمی‌توانند ملاکی در جهت تشخیص این‌گونه مسئولیت باشند و اثری قاطع داشته باشند، به‌طور مثال سبک بودن برخی مجازات‌ها نمی‌تواند به‌تنهایی ملاک مطمئنی باشد چراکه در برخی قوانین آمریکا، به‌رغم سنگینی مجازات، بسیاری از جرایم در جرگه جرایم‌مادی صرف قرار داده شده‌اند و به نظر رسد برای تشخیص این نوع مسئولیت یک یا چند معیار دیگر دلالت خواهد داشت.

^۱. Hentzner v. Stete, 613 P.2d 48 (La. 1980)

^۲. در بخش ۲_۳ (۳) قانون جزای نمونه آمریکا، اینگونه مقرر شده است که عنصر تقصیر «تحت شرایطی تحقق خواهد یافت که رفتار فرد عامدانه، عالمانه یا بی‌پروایی نسبت به این رکن همراه باشد.» برخی دادگاه‌ها حتی در غیاب چنین دستور العملی در قانون موضوعه، این روش را به کار گرفته‌اند. (وین آرفیو، پیشین، ص 19)

^۳. واژه‌هایی مانند (Cause)، (Possess)، (Possession)، (Keep) نیز در حقوق کیفری انگلستان به عنوان الفاظی خاص که قرینه‌ای بر جرم مادی صرف هستند، قابل اشاره‌اند.

5-1-1. عبارات و قرائن قانونی

در تشخیص جرم مادی صرف معیارهای قانونی بیش از سایر معیارها دارای ابهام‌اند، برای حل آن جدا از متن، عنوان یا پیشینه قانون مدنظر تواند ملاک مناسبی برای تشخیص این جرم باشد، امکان دارد قانون در مواردی دادگاه را راهنمایی کند تا در جهت تحمیل جرم مادی صرف ابهامی در میان نباشد، گاهی نیز توان از طریق شدت مجازات پی به این مسئله برد، در شرایط برابر مجازات سنگین‌تر احتمال وجود ضرورت احراز رکن روانی را افزایش دهد و در مقابل مجازات خفیف‌تر احتمال در نظر داشتن جرم مادی صرف را بالا برد. معیار دیگر شدت آثاری است که امکان دارد در بلندمدت از نتیجه رفتار موردنظر بر جامعه وارد گردد. (Seyre, 1933, 61).

5-1-2. اوضاع و احوال ارتکاب جرم

ملاک بعدی فرصتی است که متهم برای تحقیق در مورد واقعیت دارد؛ به عبارت بهتر ملاک بعدی دشواری کشف حقیقت توسط متهم است؛ هرچقدر دستیابی به حقیقت سخت‌تر باشد احتمال آن که قانون‌گذار قصد اینکه تقصیر را در جهل ضروری بداند بیشتر است و بالعکس هر قدر دستیابی به حقیقت آسان‌تر باشد، احتمال اینکه کوتاهی در کسب علم به‌عنوان دفاع پذیرفته نشود، افزایش یابد. در حوزه‌های حقوق عرفی ارائه دفاعیات خاص از قبیل دفاع فقدان غفلت یا مراقبت کافی و دفاع عدم تقصیر یکی از قرائن مهم و مؤثر در جهت شناسایی جرایم مادی است. تعداد پرونده‌ها نیز معیار مهم دیگری تلقی گردد، به همان مقدار که پرونده‌ها کمتر باشد احتمال اینکه قانونگذار قصد دارد افراد دخیل در مرحله تعقیب وارد مسئله احراز تعقیب شوند افزایش یابد و هر قدر با کثرت پرونده مواجه شویم، این احتمال کم‌رنگ‌تر خواهد بود و احتمال تحمیل مجازات افزایش یابد. (عبداللهی، پیشین، 329) باتوجه به توضیحات فوق توان نتیجه‌گرفت دادگاه در صورت فقدان معیارهای فوق با توجه به قانونی که فاقد عبارات مرتبط به تقصیر است، وجود تقصیر را اعم از تقصیر عینی (بی احتیاطی) و تقصیر شخصی (ذهنی) برای تحقق مسئولیت کیفری ضروری داند. علی‌رغم توضیحات فوق ابهاماتی در مورد این مطالب نیز وجود دارد که نیازمند شفافیت بیشتری است، ابهاماتی که بیشتر در مورد فرایند رسیدگی حقوق آمریکا است، به‌عنوان نمونه فرد محکوم برای رهایی از محکومیت، صرفاً با ارائه مدارکی که دال بر فقدان تقصیر¹ ضروری است از محکومیت تبرئه شود؟ یا در کنار آن وظیفه اقناع هیئت منصفه نیز با متهم است.

¹. Absence liability

5-2. شیوه رسیدگی

در حقوق کیفری آمریکا راه حل قضایی نخست برای اجتناب از اثبات، «جابجایی بار اثبات» است، در این راه حل تلاش شود لزوم اثبات عنصر روانی نسبت به اوضاع و احوالی که موجب مجرمانه شدن رفتار است، منتفی گردد. به همین دلیل مقام تحقیق، برای احراز مجرمیت متهم مکلف به اثبات رکن روانی جرم نمی‌باشد، رکن مزبور باید در تعیین مجازات اثبات شود. معیار اثبات در مرحله‌ی مجرمیت، «بدون تردید معقول»^۱ و در مرحله‌ی تعیین مجازات، «دلیل برتر»^۲ است. (Singer, 2000, 141) بنابراین در این تقریر، دادستان از مزیت معیار اثبات سبک‌تر بهره‌مند شود. در حوزه‌هایی خاص که جرایم مادی صرف بر مشکلات نهاد تعقیب در اثبات تقصیر مبتنی است، این راهکار جالبی به نظر رسد، در نهایت اگر دلیل تحمیل مسئولیت کیفری بدون تقصیر را بر مبنای فعالیت‌های پرخطر تلقی کنیم، راهکار جابجایی بار اثبات مؤثر خواهد بود، هرچند انتقاداتی نیز در این مورد وجود دارد که از جمله آن‌ها تضعیف بازدارندگی مجازات است.

در راه حل قضایی دوم که به نظریه‌ی جرم شدیدتر^۳ مشهور است، اوضاع و احوالی که جزء کیفیات مشدده یک جرم محسوب‌شود، اما مرتکب نسبت به کیفیات مزبور ناآگاه بوده است، رکن جرم مشدد دانسته شود. در عین حال، اثبات شمول عنصر روانی و علم و عمد مرتکب نسبت به آن کیفیت مشدده، ضروری نیست. از جمله مصادیق جرم مشدد، سرقت مقرون به آزار و اذیت است. این نظریه به‌طور مستقیم با جرایم مادی صرف یکسان نیست، بلکه مربوط به فرضی است که فرد قصد ارتکاب جرم سبک‌تر را دارد و با جهل او نسبت به اوضاع و احوال، نتیجه‌ی شدیدتر حادث‌شود. این نظریه یکی از مصادیق دکترین قتل عمد جنایی است که در اینجا برای نخستین بار در غیر از قتل عمد جریان یابد. (Ibid) توضیح آن که گاهی در برخی جرایم شرایطی وجود دارد که هرچند از عناصر جرم به شمار آمده و برخلاف حالت قبل، در مرحله‌ی دادرسی مستلزم اثبات از سوی دادستان باشد، اما اثبات عنصر روانی مرتکب نسبت به آنها شرط نیست. اینها شرایطی هستند که تنها به ارتکاب جرمی در نوع شدید خود منجر شوند یا آن‌که صرفاً عنصر اثباتی یک جرم است که نیازی به اثبات عنصر معنوی ندارد؛ برای مثال در حقوق ایران، توان به استفاده از

1. Without Reasonable Doubt

2. Balance of Probabilities

3. The Greater Crime

خودرو برای ارتکاب بزه آدم‌ربایی موضوع ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ اشاره کرد. هرچند در رسیدگی به این جرم دادستان مکلف به اثبات استفاده‌ی مرتکب از خودرو برای ارتکاب جرم مذکور باشد، اما تکلیفی به اثبات عمد مرتکب در استفاده از خودرو ندارد. صرف مورد استفاده قرار دادن خودرو هرچند به نحو اتفاقی، جرم آدم‌ربایی را به کیفیت مشدد محقق سازد.

۶. جرائم مادی صرف در نظام حقوقی ایران

سؤالی که در این بخش باید به آن پاسخ داده شود، وضعیت این جرائم در حقوق کیفری ایران است و اینکه آیا در حقوق ایران توان چنین جرائمی را به رسمیت شناخت و آیاتوان مصداقی از این نوع را در میان جرائم ایرانی یافت؟ همان‌طور که گفتیم در تألیفات حقوقی داخلی پاسخ روشنی در مورد پذیرش یا عدم پذیرش ضابطه‌مند این جرائم به چشم نمی‌خورد. تنها برخی از حقوقدانان ایرانی تعداد معدودی از جرائم را از جمله جرائم مادی صرف و بی‌نیاز از تقصیر دانسته‌اند. برای مثال جرم صدور چک پرداخت نشدنی از جمله این موارد است. مطابق این نظر، صرف تحقق عنصر مادی، یعنی صدور چک به صورتی که قابل پرداخت نباشد، موجب تحقق جرم مزبور است؛ حتی در صورتی که مرتکب بتواند جهل خود نسبت به این امر اثبات نماید. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵، ۴۰۷). این امر هم در مورد جرم مزبور و هم در مورد برخی دیگر از جرائم، بدون هیچ دلیل و مستندی بیان شده است. از نظر برخی این نظرات قابل پذیرش نیست. چراکه معتقدند «هرگونه ایجاد و ابداع جرم در عالم حقوق کیفری باید توسط مقنن صورت گیرد و نمی‌توان بدون وجود قانون، از تشکیل و تحقق نهادی سخن گفت؛ آن‌هم زمانی که نهاد مزبور منجر به تحدید آزادی‌های مردم و تعریف جرم به صورتی گردد که یکی از ارکان سنتی و اصلی آن نادیده گرفته شود. باوجود عدم نص قانونی بر وجود جرائم مادی صرف، نمی‌توان وجود آن‌ها را پذیرفت چراکه بدون تردید مخالف حقوق و آزادی‌های اساسی افراد باشد. زیرا اصول متعدد قانون اساسی، تعرض به ارزش‌های مردم را جز با تصریح قانون‌گذار مجاز نمی‌شناسد و بدیهی است که پذیرش این نوع از جرایم در تقابل با اصول فوق قرار خواهد گرفت. لذا برخلاف کشورهایایی که در حقوق آنها نص قانونی برای پذیرش جرایم مزبور وجود دارد، در حقوق کیفری ایران نمی‌توان وجود چنین جرائمی

^۱. «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخص یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که س ن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد.»

را به رسمیت شناخت، زیرا برخلاف کشورهایمانند انگلستان و آمریکا در حقوق کیفری ایران هیچ حکم و مقرر قانونی در مورد وجود چنین جرائمی وجود ندارد.» (محمدخانی، پیشین، 28) نگارندگان موافق با نظر اخیر معتقدند هر چند قانون گذار در مورد بعضی از جرائم (مانند جرم صدور چک پرداخت نشدنی یا ترک انفاق) به عنصر روانی اشاره‌ای نکرده است اما معنای آن عدم لزوم احراز عنصر روانی برای آن جرائم نیست. زیرا همان طور که در ادامه خواهیم دید، طبق اصول حاکم بر عنصر روانی جرم، در جایی که قانون گذار عنصر روانی جرم را مشخص نکرده باشد، عنصر روانی آن را باید عمدی به حساب آورد. در این حالت، قانونگذار عنصر روانی جرمی را مفروض دانسته و دادرس را بی‌نیاز از اثبات آندانند. این امر که اختصاص به عنصر روانی ندارد و در مورد عنصر مادی نیز قابل تصور است، هیچ‌گاه به معنای غیرقابل رد بودن فرض مقنن و در نتیجه عدم نیاز به عنصر روانی جرم نیست. «خاصیت فرض‌های قانونی، تنها انقلاب در اثبات است، بدین معنا که قانونگذار خود اوضاع و احوالی خاص را مساوی با داشتن

عنصر روانی داند، مگر آنکه متهم بتواند خلاف آن را ثابت کند.»¹ (همان)

یکی از مصادیق فرض قانونی عنصر روانی، ماده 499 قانون تعزیرات مصوب 1375 است که عضویت در گروه‌هایی که هدف آنان بر هم زدن امنیت کشور باشد را مساوی با علم به اهداف آن گروه‌ها داند، مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد. مطابق ماده مزبور: «هرکس در یکی از دسته‌ها با جمعیت‌ها با شعب جمعیت‌های مذکور در ماده 498 عضویت باید به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.» قانونگذار در ماده مزبور، عضویت در دسته یا جمعیت‌هایی را که هدف آنها برهم زدن امنیت کشور باشد، مساوی با آگاهی فرد عضو شده از اهداف آنها دانسته است، مگر آنکه متهم بتواند عدم آگاهی خود را ثابت کند. در صورت عدم وجود چنین ماده‌ای، دادرس در برخورد با چنین مواردی ناچار بود برای اثبات علم و آگاهی متهم تلاش کند و در مقابل، متهم نیز در پناه اصل برائت نیازی به اثبات بی‌گناهی خود پیدا نمی‌کرد، اما قانونگذار با وضع ماده فوق‌الذکر، بار اثبات را از عهده دادرس برداشته و بر عهده فرد عضو شده قرار داده است.

1. فرض قانونی در معنایی که در متن آمده است، از فرض‌هایی که در حقوق مدنی وجود دارد متفاوت است، در حیطه حقوق مدنی فرض حقوقی نوعی مجاز حقوقی است که مطابق آن، قانونگذار ماهیتی را در حکم ماهیت دیگر قرار می‌دهد و خلاف آن نیز قابل اثبات نیست. مانند آنکه قانونگذار در ماده 310 قانون مدنی انکار کننده مال را در حکم غاصب دانسته است یا ماده 584 همان قانون که شریک مازون متصرف در مشاع را در حکم امین می‌داند. (کاتوزیان، 1390، 160_158) فرض قانونی در معنای اخیر در حقوق کیفری نیز وجود دارد و ناظر بر مواردی است که قانونگذار جرائمی را بدلیل شباهت با هم، در حکم یکدیگر می‌داند مانند جرم انتقال مال غیر که مطابق ماده 1 قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب 1308 در حکم کلاهبرداری قرار گرفته است.

در هر حال عنصر روانی مفروض در هر دو حالت خود، (فرض قانونی عنصر روانی و فرض قضایی عنصر روانی) نسبت به مصادیق مذکور قوانین داخلی قابل رد است و هیچگاه دلالتی برداشتن قطعی عنصر روانی وجود ندارد و متهم در هر دو حالت تواند عدم وجود آن را ثابت نماید و عدم پذیرش دلایل متهم برای رد فرض قانونگذار، به صورت آشکاری دچار شدن در حوزه جرایم مادی صرف است. زیرا عنصر روانی مفروض و غیرقابل رد، به معنای این است که در حالتی خاص، فرض شود که عنصر روانی وجود دارد حتی اگر متهم بتواند ثابت کند عنصر روانی نداشته است.

7. دستاوردهای مهم جرایم مادی صرف در پرتو مسئولیت کیفری 7-1. مبنای توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

اگر به پیشینه اشخاص حقوقی نگاهی بیاندازیم، این اشخاص در ابتدا نه به خاطر همه جرایم بلکه در برابر جرایمی با مسئولیت کیفری بدون تقصیر مسئول شناخته شدند. «زیرا اعتقاد بر این بود که آن‌ها موجوداتی فاقد مغز و اساساً ناتوان از اندیشه هستند، در نتیجه نمی‌توانند قصد مجرمانه‌ای داشته باشند.» (شریفی، 1398، 98) رویکرد این نوع از مسئولیت صرفاً در مورد جرایمی بود که توسط اشخاص حقوقی از طریق ترک فعل محقق گشت و فراتر از آن نسبت به اشخاص مزبور نسبت داده نمی‌شد، از این نوع انتساب مسئولیت نسبت به اشخاص حقوقیتوان به‌عنوان «مسئولیت غیرمستقل» یاد کرد. از جمله استدلال‌ات توجیهی پذیرش این مدل آن بود که اشخاص حقوقی برخلاف انسان، عاری از اعضاء و جوارح برای انجام رفتار مثبت مجرمانه‌اند. در نظام حقوقی آمریکا ابتدا مسئولیت کیفری نیابتی موسعی در قبال اشخاص حقوقی اختیار شد تا اشخاص حقوقی تحت هر شرایطی به تبع فعل یا ترک فعل مجرمانه کارمندان تحت امر مسئولیت یابند،¹ مساله مهم در اینجا آن است که آیا عنصر روانی نیز منتسب به شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی مسئول است؟ به نظر رسد عدم نظارت شخص حقوقی بر رفتار عامل یا نماینده خود، عنصر روانی یا رکن روانی جرم را تشکیل دهد، ولی واقعیت این است که رکن مادی و روانی، هر دو منتسب به فرد حقیقی است.

¹. پیرو نظریه مسئولیت نیابتی «بنابر نظر حقوقدانان کامن لا» یا مسئولیت کمانه ای، انعکاسی به تعبیر مولفین فرانسوی شخص حقوقی مجرمیت خود را از فعل شخص حقیقی می‌گیرد به طور مثال اگر خدمه یا یکی از کارکنان موسسه ای حین انجام وظیفه یا به سبب آن مرتکب جرمی شود، شخص حقوقی مسئول جبران ضرر و زیان ناشی از آن خواهد بود. از جمله ایراداتی که به این نظریه گرفته شده گسترش نامعقول مسئولیت کیفری شخص حقوقی است، چرا که اگر هر یک از اعضای آن جرمی را در راستای انجام وظیفه هر چند خود سرانه و بدون مجوز مرتکب شوند، شخص حقوقی را مسئول می‌سازند.

پس از پذیرش مسئولیت نیابتی در آمریکا به مرور در نظام حقوقی این کشور مدل مسئولیت مبتنی بر تقصیر جمعی نیز مورد پذیرش قرار گرفت تا اشخاص حقوقی که ارکان مادی و روانی جرم یا اطلاعات مربوط به نقض قانون را بین اعضای خود سرشکن کرده‌اند، گریزی از مسئولیت نداشته باشند؛ مدلی که سرانجام نسخه توسعه یافته‌اش در قالب مسئولیت سازمانی متجلی و مورد تبعیت قرار گرفته است. بر همین مبنا نیز در پرونده‌ای که در سال 1987 در محاکم ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار گرفت، دادگاه استیناف محکومیت بانکی را که متهم به قصور در ثبت و گزارش راجع به معاملات ده هزار دلار یا بیشتر مشتریان بود را ابرام کرد، این مرجع در حکم خود بیان داشت: «آگاهی جمعی در این زمینه کافی است، زیرا شرکت «بانک» با تقسیم وظایف و فعالیت‌های خود در زمینه‌های مختلف، در عمل به تقسیم آگاهی‌ها و اطلاعات خود بین کارکنان مربوط اقدام کرده است.»

در نهایت در جهت برون‌رفت از مشکل چگونگی مسئول شناختن اشخاص حقوقی بزرگ که بر پایه تقسیم کار شکل گرفته‌اند و بسیاری از تصمیماتشان که توسط مدیران متوسط اتخاذ شود، مدل مسئولیت مافوق و کارفرما که خاستگاه آن نظام حقوقی آمریکا است و بر پایه نظریه مسئولیت موسع نیابتی استوار شده است را جایگزین مدل شخصیت ثانوی کردند. به موجب این مدل شخص حقوقی به واسطه اقدام ناقض هریک از نمایندگانش با مسئولیت کیفری مواجه خواهد بود، مشروط بر اینکه جرم در زمینه شغلی مرتکب و به قصد انتفاع شخص حقوقی باشد. توان نتیجه گرفت نظریه مسئولیت مافوق و کارفرما همچون مسئولیت نیابتی بر پایه اصل نمایندگی استوار است^۱ و تنها تفاوت این دو آن است که به واسطه شمول آن نسبت به عموم جرایمی که واجد یا فاقد عنصر روانی از مفهوم نخستین مسئولیت نیابتی که تنها جرایم مادی بی‌نیاز از اثبات عنصر روانی هستند را شامل شد، موسع‌تر است. اما در نظام حقوقی ایران با توجه به مواد 142 و 145 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 استناد به تئوری خطر در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مورد موسسه‌های تولیدی و کارخانه‌های صنعتی بزرگ که باعث آلودگی محیط زیست یا خطرات دیگر شوند بدون اثبات تقصیر^۲ مشکل به نظر رسد.

در پایان باید گفت در حوزه کامن لا (حقوق عرفی) دو نظریه برای انتساب تقصیر به شخص حقوقی مطرح و مورد عمل قرار گرفته است. یکی نظریه نمایندگی یا مسئولیت نیابتی است. این

1. principle Agency

2. یکی از مصادیق جرایم مادی صرف در نظام حقوقی آمریکا جرایم زیست محیطی و علیه بهداشت عمومی است.

نظریه در حقوق انگلستان در جرایم انتظامی خاص (جرایم مادی صرف) اعمال شود. در حالی که در آمریکا تحت عنوان مسئولیت کارفرما مرسوم است و نسبت به همه جرایم قابل اعمال است.

7-2. حمایت کیفری از مصرف کنندگان خدمات و محصولات نامرغوب

تحت تاثیر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در حوزه‌ی مسئولیت عرضه کنندگان کالا و خدمات نسبت به گذشته تحولاتی روی داده است که این تحولات از سه مبنا نشأت‌گیرند: (۱) نفع عمومی؛ زیرا مصرف کنندگان از موضع ضعیف‌تری نسبت به تولیدکنندگان قرار دارند و بنابراین باید از آن‌ها حمایت به عمل آید. (۲) جلوگیری از طرح دعاوی بیهوده. (۳) جلب اعتماد مردم. در واقع، وظیفه قانون حمایت از افراد ضعیف در مقابل قوی است. مصرف‌کننده باید مانند سایر زیان دیدگان تقصیر تولیدکننده‌ی کالا و خدمات را احراز نماید. حال آنکه این امری به‌غایت دشوار برای مصرف‌کنندگان باشد. لذا بهتر آن است که مسئولیت تولیدکننده و تقصیر وی مفروض انگاشته شود. اثبات تقصیر برای مصرف‌کننده مستلزم این است که از روند تولید کالا و خدمات اطلاع کافی داشته باشد که در نظر گرفتن چنین امری برای مصرف‌کننده تکلیف مالا یطاق است. در اکثر نظام‌های حقوقی در قالب‌های زیر از مصرف‌کننده حمایت به عمل‌آورند: «استفاده از اماره‌ی تقصیر»: به این معنا که این عرضه‌کننده است که باید بی‌تقصیری خود را اثبات نماید، «مسئولیت مبتنی بر تضمین سلامت کالا و خدمات» و «مسئولیت محض» به این معنا که در این رابطه صرف ورود ضرر کافی است.

به‌عنوان نمونه در آمریکا به خاطر نفع عمومی، جلب اعتماد مردم با تبلیغات توسط سازندگان و جلوگیری از طرح دعاوی بیهوده از سال ۱۹۶۰ میلادی به این سمت سوء عرضه کالا بر اساس مسئولیت کیفری بدون تقصیر دنبال شد و آثار آن اعتماد بیشتر مصرف‌کنندگان به کالاهای عرضه‌شده به بازار و ضرورت آگاهی آن‌ها از کارکرد و کیفیت کالاها که امروزه از طریق تبلیغات صورت گیرد را موجب شده است. این در حالی است که پیش از این در آمریکا در صورت فقدان رابطه حقوقی بین تولیدکننده و خریدار در صورتی که کالای تولیدی معیوب بود هیچ مسئولیتی را متوجه تولیدکننده نمی‌دانستند و فقط واسطه یا فروشنده مسئول جبران خسارات ناشی از عیب کالا بود. در نتیجه امروزه معیوب بودن کالا از عنصر خطرناک بودن کالا تفکیک شده است، به عبارت بهتر وجود عیب در کالا و خساراتی به بار آمده از آن برای اعمال مسئولیت کافی است «البته خطرناک بودن کالا امروزه به‌عنوان یک عیب مستقل مدنظر حقوق‌دانان است، لذا در برخی از قوانین مثل: بند ۱ ماده ۴۰۲ اصول حقوقی آمریکا (restatement) عیب به شرایطی

تعبیر شده که کالا را به طور نامعقول خطرناک سازد.» (بادینی و دیگران، پیشین، 25). نا گفته پیداست داروهایی که دارای عوارض منفی هستند، تولید کامیون‌های حامل سوخت، تولید اسلحه سرد و گرم، تولید سیگار از نوع کالاهایی هستند که نوعاً خطرناک محسوب شوند، لیکن این خطرناکی به بی‌مبالاتی و تقصیر در جریان تولید ارتباط ندارد، بلکه آن خطرناکی به‌عنوان عیب تلقی خواهد شد که ناشی از بی‌مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و کوشش در راه تأمین ایمنی مصرف‌کنندگان است. در حقوق کیفری ایران نیز، در فرآیند سوء عرضه کالا، فروشنده، مخلوط‌کننده و سازنده و تهیه‌کننده همگی مسئولیت کیفری دارند، قانون‌گذار ایرانی در ماده ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی (مصوب 1346/04/21) در ۴ بند، و ماده ۳ همان قانون مسئولیت کیفری هریک از اشخاص مذکور را بیان کند.» (میرمحمد صادقی، دانشور ثانی، 1392، 91)

نتیجه‌گیری

حقوق کیفری در سیر تکاملی خود به‌طور مستمر شاهد تحول بوده است. این تحولات در عرصه‌های مختلف، اعم از نظری و عملی اتفاق افتاده است. در این پژوهش سعی بر این بوده تا تحول عنصر روانی یا تقصیر و سپس جرایم مادی صرف مورد بررسی قرار گیرد. با مطالعه و بررسی این جرایم در نظام حقوقی کامن‌لا به‌خصوص حقوق آمریکا دریافتیم در این کشور علیرغم پذیرش جرایم مادی صرف تحلیل عمیقی در راستا شناخت صحیح این‌گونه جرایم صورت نپذیرفته است و همین موجب شده تا تردیدهایی در این زمینه به وجود آید. نگارندگان معتقدند این نقصان بر اساس ماهیت جرایم مادی صرف طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا این‌گونه جرایم به علت کثرت، طبقه‌بندی‌شان از سایر جرایم مشکل‌تر است.

نتیجه دیگری که نگارندگان در طول انجام این پژوهش به آن دست یافتند، رسیدن به یک جمع‌بندی قانع‌کننده در جهت پاسخ به این سؤال بود که چرا در جرایم مادی صرف از احراز رکن روانی جرم صرف‌نظر شده است؟ در بسیاری از منابع معافیت بدوی مقامات تعقیب از احراز رکن روانی به دلیل پیچیدگی برخی جرایم مثل جرایم علیه محیط‌زیست بیان شده است، اما همین دلیل باعث قدرت گرفتن موضع مخالفان شد، لیکن شایسته‌تر آن است که بگوییم آنچه مبنای ایجاد جرایم مادی صرف است؛ به حداکثر رساندن پیروی از قانون است. قطع به یقین از این طریق با مخالفت‌های کمتری روبه‌رو خواهیم بود. بر اساس سوابق قانونی و قضایی موجود در نظام‌های کیفری ایران و آمریکا توان نتیجه گرفت، هیچ‌گاه تحمیل مسئولیت کیفری بدون تقصیر به‌طور ذاتی یا حداکثری مورد حمایت نیست و تحمیل مجازات بر افراد بی‌گناه به‌عنوان ایراد سزاگرایان،

فاقد وجهت است. مسئولیت کیفری بدون تقصیر به عنوان یک تدبیر پیشگیرانه و عمدتاً معطوف به جرایم جدید و غیرواقعی یا انتظامی دارای آثار مفیدی است.

در راستای تشخیص این نوع مسئولیت نیز توان با رجوع به اصول حقوقی و عبارات و قرائن قانونی، امکان اعمال دفاعیات خاص مانند دفاع فقدان غفلت یا مراقبت کافی و دفاع عدم تقصیر، جرایم حالتی و ماهیت موضوع جرم؛ مبادرت به شناسایی جرایم مادی صرف نمود. هرچند این قرائن در نظام کیفری آمریکا دارای کاربردهای زیادی است، اما در حقوق ایران چندان مورد اهتمام قانون‌گذار و مراجع قضایی قرار نگرفته است و همین باعث به وجود آمدن تفسیرهای متفاوت در احکام قضایی شود. زیرا از یک سو قانون‌گذار در بسیاری از موارد با جرم مادی صرف و مفاهیم مترادف با آن بیگانه است و از سویی دیگر با تأمل در برخی قوانین و پاره‌ای از احکام قضایی شواهد و زمینه‌هایی وجود دارد که خواه‌ناخواه تاب تفسیرها و تحلیل‌های نظری مشابه با آنچه در حقوق کیفری آمریکا جریان دارد، در آن‌ها دیده شود.

نکته دیگر آن‌که، مفروض دانستن عنصر روانی در جرایم مادی صرف تواند برحسب اجزای عنصر مادی مثل؛ رفتار، شرایط خاص یا نتیجه مجرمانه دارای تفاوت باشد. اما به‌هیچ‌وجه این شیوه در قبال جرایم سنتی یا واقعی قابل تعمیم و شناسایی نیست. درحالی‌که برخی نویسندگان در جرایمی مانند قتل عمد و برخی از جرایم امنیتی و نظامی را به اعتبار نتیجه مجرمانه نمونه‌هایی از جرایم سنتی بدون تقصیر دانسته‌اند. اما اگر مسئولیت کیفری بدون تقصیر را محدود به جرایم خرد یا علیه‌رفاه عمومی بدانیم این نظر صحیح به نظر نمی‌رسد.

پیشنهادها

در رابطه با مصادیق جرایم مادی صرف، ارائه مفهومی صریح و ابهام‌زدایی از آن در قوانین ایران امری بسیار ضروری است. این جرم در نظام حقوقی آمریکا دارای مصادیق و کاربردهای زیادی است درحالی‌که در حقوق ایران امری تقریباً ناشناخته است. با پذیرش تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت، عامل زیان فقط هنگامی در برابر زیان دیده مسئول است که مقصر باشد. بنابراین برفرض مثال اگر کارخانه‌داری که مطابق استانداردها فعالیت کند و با این حال موجب تضرر دیگران شود، مسئولیتی ندارد. اما به خاطر همین بی‌احتیاطی، جامعه هزینه‌های اجتماعی کلانی متحمل شود. با اعمال مسئولیت کیفری بدون تقصیر و پیش‌بینی جرایم مادی صرف از وقوع این‌گونه حوادث پیشگیری شود و در صورت بروز از فرار مجرمین جلوگیری شود.

اگر جرایم مادی صرف را بتوان از نظر موضوعی از قلمرو جرایم واقعی و مجازات‌های مقرر در قانون مجازات خارج کرد و مسیر رسیدگی کیفری آن‌ها را تغییر داد و از مراجع قضایی به مراجع اداری مربوطه احاله داد، از حجم پرونده‌ها در دادگاه‌ها کاسته خواهد شد مثلاً اگر براساس نظر برخی نویسندگان جرایم مرتبط با چک را مادی صرف تلقی کنیم و در جهت رسیدگی به این جرایم از راهکارهای غیر کیفری استفاده کنیم، به مراتب از تبعات مستقیم و غیرمستقیم آن نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد. از لحاظ جرم‌شناسی نیز تبعات مثبتی دارد. به‌عنوان گواه، به زندان رفتن متهمین صدور چک بلامحل (برفرض این‌که چنین جرمی مادی صرف باشد) بر کسی پوشیده نیست. لذا در صورت رسیدگی به جرایم مادی صرف در سازمان‌ها و مراجع دیگر، به‌مراتب از اطاله دادرسی و حجم پرونده‌ها در دادسراها و محاکم قضایی کاسته خواهد شد. با همه این‌ها جرایم مادی صرف دارای اشکالاتی است که ضرورت دارد با بکارگیری تدابیر قضایی و غیرقضایی که متضمن تغییر در شیوه مسئولیت کیفری بدون تقصیر است، از آن‌ها کاسته شود، از جمله این اصلاحات برگرفته از حقوق آمریکا عبارت‌اند از: «بکارگیری روش بینابین» برای پرهیز از استفاده مستبدانه از مسئولیت مطلق را در اختیار ما قرار دهد.

منابع و مأخذ

الف) کتب (فارسی و عربی)

1. اردبیلی، محمد علی، «حقوق جزای عمومی»، جلد اول، نشر میزان، چاپ بیست و دوم، 1395.
2. آشوری، محمد، «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، 1398.
3. آلمن، آندرو، درآمدی بر فلسفه حقوق، مترجم: بهروز جندقی، مرکز انتشارات موسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، 1985.
4. باهری، محمد، «حقوق جزای عمومی»، جلد اول، انتشارات مجد، چاپ پنجم، 1394.
5. ثروت، جلال، «نظریه الجرمه المتعدیه للقصده»، منشورات الحلی الحقوقیه. چاپ اول، 2003.
7. عبدالهی، اسماعیل، «مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان»، انتشارات خرسندی، چاپ اول، 1393.
8. کاتوزیان، ناصر، «اثبات و دلیل اثبات»، انتشارات میزان، چاپ ششم، 1390.
9. کاتوزیان، ناصر، «مسئولیت ناشی از عیب تولید»، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، 1381.
10. کلارکسون، سی. ام. وی، تحلیل مبانی حقوق جزاء، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، 1371.

11. گلدوزیان، ایرج، «بایسته‌های حقوق جزای عمومی»، نشر میزان، چاپ اول، 1391.
12. محمد خانی، عباس، «عناصر روانی جرم (کلیات عنصر روانی- عنصر روانی جرایم عمدی)»، جلد اول، انتشارات میزان، جلد اول. 1390.
13. میر محمد صادقی، حسین، «تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی»، انتشارات جنگل. چاپ اول، 1390.
14. میرمحمدصادقی، حسین، «جرائم علیه اموال و مالکیت»، انتشارات میزان. چاپ چهل و هفتم، 1395.
15. واین آر لفیو، «عناصر معنوی در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا»، ترجمه فاطمه موسوی خوشدل، انتشارات میزان. چاپ اول. 1390.

ب) مقالات فارسی:

16. بادینی، حسن، شعبانی کندرسری، هادی و رادپرور، سجاد، «مسئولیت محض، مبانی و مصادیق» مجله مطالعات تطبیقی. دوره 15 (شماره 57). صص 36-19، 1391.
17. شاهچراغ، سید حمید رضا، «بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران» فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره 76 (شماره 78). صص 114-77، 1391.
18. شریفی، محسن، «تاملی بر مدل‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، مجله مطالعات حقوقی، شماره اول، بهار، صص 98-115، 1398.
19. میرمحمد صادقی، حسین و رضا دانشور ثانی، «حقوق کیفری سوء عرضه کالا در فقه امامیه، حقوق ایران و کامن لا» مجله تحقیقات حقوقی، دوره 15 (شماره 148). صص 95-51، 1392.
20. میلانی، علیرضا و مصطفی عبدالکریمی، «درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر» فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره 1، (شماره 1). صص 88-72، 1394.
21. الیوت، کاترین و فرانسسیس کوئین، «حقوق جزا»، ترجمه امیر سماواتی پیروز، (1385)، اصلاح و تربیت، شماره 55، مهر ماه، صص 2، 1385.

ج) پایان نامه‌ها:

22. بهاری خوب، نجمه، «بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق در نظام حقوق کیفری ایران و کامن لا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم، استاد راهنما سید حسین هاشمی، 1396.
23. مهبودی، حمید، «جرم با مسئولیت مطلق و گستره آن در حقوق کیفری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، استاد راهنما محمد خلیل صالحی، 1389.

(د) منابع خارجی:

24. Elliot Catherine, Quinn, Frances, (2000), Criminal law, Pearson Education Limited, London: Third edition.
25. Sayre, Francis (1933), public welfare offenses, Columbia Law Review Association, Inc. 53 (313) 55-88. Retrieved from: <https://www.jstor.org/stable/1115413?seq=1>
26. Gardner, John, (2007), Answering for crime, Responsibility and liability in the criminal law, Hart Publishing, R A Duff
27. Henry Hart, (1958), The Aimes of the Criminal Law, 23 Law & Contemp. Propb.
28. Singer, Richard, (2000), Ways (e model Penal Code and Two (possibly only One Courts Avoid Mens Rea, Buffalo Criminal Law Review.